

محمد بن حسن حرّ عاملی، اصل الآمل، چاپ احمد حسینی، نجف ۱۳۸۵/۱۹۶۵؛ محمد باقر بن زین العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲؛ محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، کتاب الوافی، قم ۱۴۰۴؛ عباس قمی، فوائد الرضویه: زندگانی علمای مذهب شیعه، تهران ۱۳۲۷ ش؛ محمد علی بن صادق علی کشمیری، کتاب نجوم السماء فی تراجم العلماء، قم ۱۳۹۴؛ علی خان بن احمد مدنی، سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، مصر ۱۳۲۴.

/ ابراهیم دیباجی /

بحرانی، هاشم بن سلیمان، مفسر و محدث و مؤلف شیعی قرن یازدهم. نسب او، بنا به نقل افندی اصفهانی، به سید مرتضی علم الهدی* و از آن طریق به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد (ج ۵، ص ۲۹۸). اهل توبلی از توابع بحرین بود، در ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ درگذشت و در زادگاه خود به خاک سپرده شد (یوسف بحرانی، ص ۶۴). در منابع هیچ‌گونه اطلاعی درباره دوران تحصیل او یافت نمی‌شود و فقط برخی از علمای اخباری معاصرش را، مانند فخرالدین طریحی*، به نقل از خود او به عنوان مشایخ او نام برده‌اند (یوسف بحرانی، ص ۶۶؛ افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۳۰۴؛ نوری، ج ۳، ص ۳۸۹). سلسله مشایخ روایی بحرانی، چنانکه در پایان البرهان آمده است، به کلینی و صدوق و طوسی می‌رسد (هاشم بحرانی، ج ۴، ص ۵۵۱). گذشته از ریاست دینی در روزگار خود، در گردآوری نوادر کتب حدیث پیشینیان و تتبع در این علم کم نظیر بوده است. یوسف بحرانی (ص ۶۳) از این جهت فقط علامه مجلسی را برتر از او می‌شمارد، هر چند که او برخلاف مجلسی تنها به جمع و نقل روایات بی هیچ توضیح و تفسیری اهتمام داشته است. به دلیل کثرت تألیفات (۷۵ اثر به نوشته افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۳۰۰) و اطلاعات گسترده در زمینه‌های مختلف علوم دینی، به سید هاشم علامه مشهور شده است (یوسف بحرانی، ص ۳؛ افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۲۹۸). بیشتر آثار او، مانند غایة المرام و ایضاح المسترشدين و الانصاف و معالم الزلفی، درباره مسایل امامت و سایر عقاید دینی از نظرگاه شیعه تألیف شده است (درباره آثار او - یوسف بحرانی، ص ۶۴-۶۶؛ افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۲۹۹-۳۰۰). تفسیر معروفش البرهان فی تفسیر القرآن، و به نام شاه سلیمان صفوی، بر همین اساس تهیه شده است. در فقه استدلالی کتابی به نام التنبیهات داشته که، به نقل افندی اصفهانی، نسخه‌ای از آن نزد بازارمندگان علامه مجلسی موجود بوده است (ج ۵، ص ۳۰۰-۳۰۱). مع هذا یوسف بحرانی (ص ۶۳) بر این گمان که از او اثری در فقه باقی نمانده است در مقام فقهی او تردید کرده است، ولی تصریح می‌کند که سرپرستی کارهای دینی شهر

را، از جمله قضا و امور حسبه، را برعهده داشته و در امر به معروف و نهی از منکر، حتی نسبت به زمامداران وقت، بسیار جدّی بوده است. از کتابهای او البرهان فی تفسیر القرآن و غایة المرام و معالم الزلفی و المحجّة و تبصرة الولی و حلیة الأبرار بارها چاپ شده است. کتاب غایة المرام او در زمان ناصرالدین شاه قاجار بر دست شیخ محمدتقی دزفولی با عنوان کفایة الخصام به فارسی ترجمه شد (آقابزرگ طهرانی، ج ۱۶، ص ۲۱؛ خوانساری، ج ۸، ص ۱۸۳). سید هاشم بحرانی، چنانکه از آثارش برمی‌آید، از علمای اخباری بوده است و تأکید او بر لزوم فراگیری همه دانشهای دینی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مقدمه البرهان معزف دیدگاه اوست. بحرانی تا پایان عمر به تدریس اشتغال داشت (افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۳۰۰) و کسانی از او اجازه روایت یافتند (یوسف بحرانی، ص ۷۵) که از جمله ایشان شیخ حرّ عاملی بود (حرّ عاملی، ج ۲، ص ۳۴۱).

منابع: محمد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ عبدالله بن عبی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱؛ محسن امین، اعیان الشیعة، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳، ج ۱۰، ص ۲۲۹-۲۵۰؛ هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ محمود بن جعفر موسوی زرنندی، تهران ۱۳۳۴ ش؛ یوسف بن احمد بحرانی، لؤلؤة البحرین، چاپ محمدصادق بحر العلوم، قم [بی‌تا]؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، اصل الآمل، چاپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش؛ محمد باقر بن زین العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، چاپ محمدرضا نوری نجفی، تهران ۱۳۲۱.

/ حسن طارمی /

بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم درازی بحرانی، فقیه و محدث اخباری معتدل و متبّع پر اثر قرن دوازدهم. در ۱۱۰۷ در قریه ماحوز (واقع در یک فرسخ جنوب غربی منامه، مرکز بحرین) به دنیا آمد، ولی وطن اصلی او قریه دراز بوده است (به فاصله دو فرسخ و نیمی در جنوب منامه)؛ و این قریه غیر از جزیره دراز یا قشم* است (فسائی، ج ۲، ص ۱۲۶۵، ۱۵۸۷). پدر بحرانی مردی دانشمند بوده و به منظور شاگردی نزد شیخ سلیمان ماحوزی (معروف به محقق بحرانی؛ بحرانی،* یوسف در لؤلؤة البحرین (ص ۴۴۲)، وی دوران کودکی را زیر نظر جدّش، ابراهیم، که به تجارت مروارید اشتغال داشته است، گذرانده و آموزگاری در خانه به او قرآن و خط را تعلیم می‌داده